

بررسی مذهب خسرو پرویز و علل گرایش وی به مسیحیت

علی مختاری^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۱۶

چکیده

دین زرتشت توسط اردشیر اول به عنوان دین رسمی امپراتوری ساسانی انتخاب شد، و موبدان زرتشتی از احترام خاصی در عصر ساسانی برخوردار شدند و موبد موبدان جزو قدرتمندترین و نزدیکترین افراد به پادشاه ساسانی محسوب میشد. ولی با این وجود بعضی از پادشاهان ساسانی به خاطر منافع سیاسی و اقتصادی و دیگر دلایل به دیگر ادیان توجه می نمودند که خسرو پرویز از جمله آنها بوده که در ابتدای حکومتش به مسیحیت گرایش پیدا کرد. مسیحیان ضمن ساختن کلیساهای متعدد در ولایات غربی ساسانیان، مناصب مهمی را در دربار خسرو پرویز بدست آوردند و از نفوذ و قدرت قابل توجهی در دربار برخوردار شدند. اما در چند سال آخر حکومت وی این سیاست به کلی تغییر کرد. در این نوشتار که به روش کتابخانه ای و استفاده از منابع مهم دسته اول و دوم و تحقیقات معاصرین به همراه توصیف و تحلیل حوادث و وقایع و ارتباط آنها با همدیگر، صورت گرفته است دقت کردیم تا همه جوانب موضوع را برای خواننده به درستی روشن نماییم. بنابراین با وجود اینکه دین زرتشت دین رسمی ساسانیان بوده و خسرو پرویز هم به آن معتقد بود، ولی به خاطر منافع سیاسی و نظامی و جلب رضایت امپراتور روم موریکیوس که جهت رسیدن به سلطنت به وی کمک کرده بود، در ظاهر و به صورت مقطعی در ابتدای حکومتش به مسیحیت گرایش پیدا کرده و به آنها توجه نمود و گرنه به این دین ایمان نیاورد. وی بعد از مرگ امپراتور موریکیوس تغییر سیاست داده و به قلع و قمع مسیحیان و تصرف قلمرو آنها پرداخت و چندین تن از کشیشان و صلیب مقدس را به گروگان گرفت. در این نوشتار برآنیم تا مذهب خسرو پرویز و دلایل گرایش وی به مسیحیت را مورد بررسی قرار دهیم.

کلید واژه ها: خسرو پرویز، دین، زرتشت، مسیحیت، روم.

^۱ - استادیار گروه تاریخ، واحد گناوه، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرگناوه، ایران (A.mokhtari457@gmail.com)

مقدمه

در طول تاریخ همواره بین پادشاهان و مذهب رابطه یکسانی وجود نداشت، بعضی مواقع به همدیگر توجه می کردند و بعضی مواقع در تقابل با یکدیگر قرار داشتند. پادشاهان از آنجایی که خود را بالاترین مقام در جامعه آن روز می دانستند دوست نداشتند که کسی در امورات آنها دخالت کند و یا آنها را امر و نهی نماید. لذا بعضی از پادشاهان ذاتاً افرادی معتقد بوده و به مذهب پایبند بودند و بزرگان روحانی و مذهبی را همواره در دربار در کنار خود قرار می دادند و بعضی دیگر هم اقتدار طلب بودند و به مذهب و روحانیون توجهی نکرده و به طرد آنها از دربار خود می پرداختند.

با رسمی کردن دین زرتشت توسط اردشیر اول تمامی پادشاهان ساسانی طی مراسمی که موبدان زرتشتی در معابد برای آنها ترتیب می دادند به سلطنت می رسیدند و موبد موبدان همواره به عنوان مقتدرترین فرد بعد از شاهنشاه در دربار حضور داشت و با گذاشتن تاج شاهی بر سر پادشاه به حکومت وی مشروعیت و رسمیت می بخشید. گرچه بیشتر پادشاهان ساسانی همواره بر دین زرتشت بودند و در جهت رشد و اعتلاء آن می کوشیدند، اما بعضی از آنها به دلایلی از دیگر ادیان حمایت می کردند؛ چنانچه شاپور اول از مانی قباد از مزدک و خسرو پرویز از مسیحیت حمایت نمودند. بدست آوردن منافع سیاسی و اقتصادی و کم کردن اقتدار و نفوذ موبدان زرتشتی و جلوگیری از دخالت آنها در مسائل حکومتی از مهمترین دلایل حمایت پادشاهان مذکور از دیگر ادیان بوده است. در این پژوهش به علل و عوامل گرایش خسرو پرویز به دین مسیحیت و تاثیرات این گرایش بر حکومت وی و سلسله ساسانی پرداخته می شود.

۱- مذهب خسرو پرویز

خسرو دوم فرزند هرمز چهارم نوه خسرو اول (انوشیروان) بود که از سال ۵۹۰ تا ۶۲۸ م یعنی ۳۸ سال حکومت کرد؛ وی ملقب به خسرو پرویز است که به علت پیروزیهای درخشان و متعدد و مال و ثروت زیاد مورخان به او چنین لقبی را دادند. به طوریکه طبری در این مورد می نویسد: «خسرو پرویز از همه پادشاهان ساسانی به دلیری و تدبیر و دوراندیشی سر بود و هیچ پادشاهی به قدرت و فیروزی به فراهم آوردن مال و گنج و یاری بخت چون او نبود، به همین جهت او را پرویز که معنی فیروز یا پیروز است گفته اند». (طبری، ۱۳۷۵: ۱۲۶) نظامی گنجوی در اثر معروف خود یعنی خسرو و شیرین در این رابطه می گوید:

پدر در خسرو دیده تماش	نهاده خسرو پرویز نامش
از آن شد نام آن شهزاد پرویز	که بودی دایم از هرکس پرآویز
به بزم شاهش آوردند پیوست	بسان دسته گل دست بر دست

(نظامی گنجوی، ۱۳۶۶: ۱۲۶)

خسرو پرویز آخرین خسرو با شکوه ایران عهد باستان است که توانست آخرین سلطنت بزرگ ایران باستان را تشکیل دهد، وی یکی از باشکوه ترین و ثروتمند ترین پادشاهان عهد خود و شاید قرن ها بعد هم به شمار می رود. خسرو دوم در تاریخ ساسانیان جایگاه ویژه ای دارد، چرا که دولت ساسانی را به درجه ای از وسعت و اقتدار و اعتبار رساند که پیش از وی بی سابقه بود. شهرت وی بیشتر به دو دلیل بود: یکی به خاطر پیروزی های پی در پی و شکست ترکان و رومیان طی سال های ۶۰۲ تا ۶۲۷ م و دیگری به خاطر دربار، حرمسرا و کاخ ها و خزائن بیشمارش بود. از دیدگاه مورخان اگرچه خسرو اول (انوشیروان) به دلیل خرد و کارهای سازنده و عدالت و دادگستری مشهور گردید، خسرو پرویز تنها به علت کشور گشایی، دربار پرتجمل و ثروت افسانه ای و زراندوزی مطرح شده است. (مسکویه رازی، ۱۳۶۹: ۲۱) آنچه آنچنان که از فحوای کلام مورخان بر می آید دیدگاه آنها در مورد اعتقادات خسرو پرویز متفاوت است و کمتر به این موضوع پرداخته اند تا دیگر مسائل. خسرو پرویز شخصاً علاقه ی چندانی به موضوعات الهی و مسائل دینی نداشت، ولی شاید به دلیل مقاصد سیاسی لازم می دید که اهمی در باب دین زرتشت نشان دهد و بدگمانی روحانیون را نسبت به اعتقادات خود بر طرف کند. مثلاً در دینکرد ۳ روایت شده که خسرو پرویز هوشیارترین موبدان را فرمود تا تفسیری براوستا بنگارند؛ که گویا آخرین تجدید نظر در اوستای ساسانی به شمار می رفت و نه تنها مشتمل بر احکام و دستورات دینی بوده بلکه حکم دایره المعارف و گنجینه علوم بزرگی را داشته که در آنها دانشهای گوناگون مندرج بود. (مشکور، ۱۳۲۵: ۷۰)

اگرچه دین زرتشت دین رسمی دوره ی ساسانیان به شمار می رفت و موبدان از قدرت خوبی در دربار خسرو پرویز برخوردار بودند، ولی می بینیم که خسرو پرویز به آنها پشت کرده و جهت اجرای تعهدات خود که به امپراتور روم موریس داده بود و بدست آوردن توجه زنان مسیحی خود از جمله مریم دختر امپراتور روم و محبوبه خود شیرین و استفاده از نفوذ بزرگان مسیحیت در دربار، به دین مسیح گرایش پیدا می کند. وی نه تنها به آنها اجازه فعالیت مذهبی و ساختن کلیسا در قلمرو خود را داد، بلکه مناصب مهمی را در دربار به مسیحیان واگذار می کند، در صورتیکه خسرو پرویز در چند سال پایانی

حکومتش به علت شکست از رومیان به تخریب شهرها و کلیساهای مسیحیان پرداخته و بزرگان زیادی از آنها را قتل عام می نماید. بنابراین نتیجه می گیریم که خسرو پرویز چندان به مسائل مذهبی پایبند نبوده و هرزگاهی جهت رسیدن به مطامع سیاسی و اقتصادی و یا دیگر مسائل توجهاتی به مسائل مذهبی می نمود، یعنی به شکلی مقطعی و گذرا به مذهب گرایش پیدا می کرد و همیشه برآن ثابت و استوار نبود و از مذهب بیشتر در جهت پیشبرد اهداف مورد نظر خود استفاده می کرد. گاهی اوقات وی چنان گرفتار تکبر و غرور خود می شد که برای خود مقام خدایی قائل می گردید و خویشتن را چنین توصیف می کرد: مردی انوشه در میان ایزدان و بغی نامبردار در میان مردان، دارای آوازه بلند آنکه با خورشید بر می خیزد و به شب دیدگانش را می بخشد» (کریستن سن ، ۱۳۷۴ : ۱۲۳) کمتر شاهی را در تاریخ ایران سراغ داریم که برای خود مقام خدایی قائل شود و این نهایت غرور و تکبر خسرو پرویز را می رساند. در مجموع آنچه که از روایات تاریخی استنباط می گردد اینست که اقدامات مذهبی خسرو پرویز بنابر سیاستی که در پیش می گرفت متغیر بود و مورخان اسلامی وی را یک فرد علاقه مند به امور دنیوی می دانند تا یک مروج مذهبی. روی هم رفته ایام پادشاهی خسرو دوم به واسطه سرسپردگی به تجمل و خوشگذرانی شهرت داشت نه هوا خواهی از اندیشه و تفکر. (یارشاطر، ۱۳۷۳: ۲۶۸)

۲- مذاهب رایج در اواخر عصر ساسانیان خصوصاً دوره ی خسرو پرویز

از اقدامات مهم اردشیر اول موسس سلسله ساسانیان رسمی کردن مذهب زرتشت به عنوان دین رسمی ساسانیان بود. تمامی پادشاهان این سلسله طبق آداب و رسومی که موبدان زرتشتی به آنها تعلیم می دادند به حکومت رسیدند و موبد موبدان که بعد از پادشاه قدرتمندترین فرد به حساب می آمد با گذاشتن تاج بر سر پادشاه به حکومتش مشروعیت می داد، چنانچه فردوسی در شاهنامه جریان به تخت نشینی خسرو پرویز و حضور موبدان را در این جشن این چنین توصیف می کند:

چو خسرو نشست از بر تخت زر برفتند هرکس که بودش هنر

گران مایگان را همه خواندند برآن تاج نو گوهر افشاندند

به موبد چنین گفت که این تاج و تخت نیابد مگر مردم نیکبخت

مبادا مرا پیشه جز راستی که بیدادی آرد همه کاست

اکثر پادشاهان ساسانیان معتقد بودند که دارای فره ایزدی هستند یعنی قدرت و حکومت خود را ناشی از طرف خداوند می دانستند و درسنگ نگاره های متعددی که از خود برجای گذاشتند این مطلب را به تصویر کشیده اند. خسرو پرویز قبل از اینکه به تاج و تخت برسد به امپراتوری روم پناه برده بود و نذر کرده که در صورتیکه بر بهرام چوبین غلبه کند پای پیاده به زیارت آتشکده آذرگشنسب که آتشکده مخصوص شاهان بوده در آذربایجان برود و هدایا و نذوراتی را به آن تقدیم کند.

ایشان پس از کمک امپراتور روم و غلبه بر بهرام چوبین، نذر خود را به جای آورد و حدود سه روز در کنار آتشکده آذرگشنسب ماند و به جشن و سرور پرداخت و سپس راهی تیسفون شد و مراسم تاج گذاری را آغاز کرد. همانطور که گفته شد خسرو پرویز هوشیارترین موبدان را مامور کرد تا تفسیری نو بر اوستا بنگارند و کارگرد آوری و تجدید نظر در آن را انجام دهند و این تجدید نظر کوششی بود که در جهت نو کردن این کتاب کهنه و جداساختن صفحات ارزشمند آن صورت گرفت و احتمالاً آخرین مرحله تدوین و گرد آوری اوستا بر طبق روایات در دوره ی خسرو پرویز شکل گرفت. (کریستن سن، ۱۳۷۴: ۶۳۹) خسرو پرویز آتشکده های بسیار ساخت و به بازسازی مجدد آتشکده آذرگشنسب که در سال ۶۲۳ م توسط سپاه روم غارت شده پرداخت. خسرو پرویز حدود دوازده هزار تن از روحانیون زرتشتی (هیربدان) را برای تلاوت ادعیه و آموزش تعالیم مذهبی به مردم در آتشکده هایی که بنا کرد قرار داده. (بویس، ۱۳۸۶: ۲۶۳) از فحوای روایات مورخان چنین بر می آید که خسرو پرویز در ابتدای حکومتش به دین آباء و اجدادی خود یعنی دین زرتشت معتقد بود و تلاش هایی هم در جهت رشد و توسعه آن انجام داد. روحانیون زرتشتی در عصر خسرو دوم بسیار فاسد و دنیا پرست و بی قُدس شده بودند و چندان قدرت نداشتند و نتوانستند جلوی نفوذ بزرگان فرقه های مسیحی در دربار خسرو پرویز را بگیرند و مسیحیان مناصب مهم و متعددی را در این دوره بدست گرفتند. درست است که این طبقه نماینده دیانت رسمی ایران (زرتشت) محسوب می شدند و در تعصب شدید خود باقی ماندند؛ ولی چنان دچار ضعف قدرت شدند که در پیش چشم آنها خانواده یزدین نصرانی به بلندترین مقامات عالیه دینی رسیده بودند و دیگر عیسویان وارد کارهای دیوانی شدند. (تقی زاده، ۱۳۸۶: ۱۳) در اواخر عصر ساسانیان روحانیون زرتشتی دچار عیوبی از قبیل ارتداد، حرص، غفلت از دین، مشاغل تجاری، کسب سود و دنیا طلبی و سستی ایمان در مسائل دینی شدند؛ البته بعضی از روحانیون سعی داشتند تا مجدداً اصول ایمانی دین زرتشت را نیرو ببخشند ولی تلاش آنها ظاهراً به جایی نرسید.^{۱۱} (کریستن سن، ۱۳۷۴: ۶۳۸)

از ایزدانی که مورد توجه شاهان ساسانی قرار گرفت ایزد آناهیتا بود و شاهان ساسانی در معبد آناهیتا تاجگذاری می کردند و عصر ساسانی عصر نمود چهره ی زیبای آناهیتاست. پرستش این ایزد در ابتدای عصر ساسانی برای مدتی رو به افول نهاد و تنها در اواخر عصر این سلسله یک بار دیگر در مراسم دیهیم ستانی خسرو پرویز که در سنگ نگاره های طاق بستان حک شده با تصویر آناهیتا در کنار خسرو پرویز برخورد می کنیم.(رجبی ، ۱۳۸۰: ۴۶۵) از دیگر ایزدانی که در عصر ساسانیان شاهد ظهور مجدد آن هستیم می توان از ایزد بهرام که جایگاه ویژه و چهره ی محبوبی در این دوره داشته را نام برد. وجود آتشکده بهرام که به طور عام آتش بهرام خوانده می شد و نامگذاری بسیاری از شاهان ساسانی به اسم بهرام، خود حکایت از نقش این ایزد در دوره ی ساسانیان می باشد. از دیگر ادیان رایج در اواخر عصر ساسانیان می توان از زروان و زروانیسم نام برد. در این برهه زروانیسم چنان در آیین زرتشت رخنه کرد که توانست به جای این آیین بنشیند که ما امروز آن را زرتشتیگری می نامیم. در حقیقت آنچه از مطالب کتاب های مذهبی و ادبی و تاریخی عصر ساسانیان بر می آید نقش غالب مذهب زروانی در اواخر عصر ساسانیان را نشان می دهد. از آسیب های مهمی که این مذهب به جامعه ساسانی وارد کرد، اعتقاد به قضا و قدر و تقدیر و سرنوشت و جبر در برابر اراده و اختیار آدمیان بوده است. خسرو پرویز در پنج سال پایانی حکومت خود که مرتب از هراکلیوس امپراتور روم شکست می خورد می گفت که همای بخت از من روی بر گرداند و گریزی از آن نیست. یعنی اینکه تقدیر اینست که من باید شکست بخورم و قابل تغییر نیست و در برابر حوادث تسلیم شده و تلاش آنچنانی از خود بروز نمی داد و این اعتقاد به تقدیر و سرنوشت از مظاهر بارز دین زروانیسم می باشد. کریستن سن همه پادشاهان ساسانی را زروانی می داند و خانم مری بویس همه را زرتشتی و دیگر مورخین معتقدند این خسروان متناوباً زرتشتی و زروانی بودند.(دولت آبادی، ۱۳۷۹: ۱۰۸)

مذهب بودایی از دیگر مذاهب رایج در عصر ساسانیان در نواحی شرقی ایران می باشد، تعلیم بودایی از هندوستان کم کم به نواحی شرقی ایران رسیده بود. از سفرنامه هیون تسانگ معلوم می شود که تا قرن هفتم میلادی صومعه های بودایی در نواحی شرقی ایران وجود داشتند. هیون تسانگ که در سال ۶۲۹ م از نواحی شرقی ایران خصوصاً سمرقند دیدن کرد از تعدد صومعه های بودایی در این بلاد صحبت می کند.(زرین کوب، ۱۳۸۵: ۶) ظاهراً این آیین در نواحی شرقی و شمال شرقی ایران تا زمان نفوذ اسلام به این مناطق هنوز وجود داشته است.

یهودیان از مدت‌ها قبل در اطراف رودخانه های دجله و فرات سکونت داشتند و بیشتر در ناحیه رودخابور و نصیبین تا بابل زندگی می کردند. مناسبات میان یهودیان و دولت های شاهنشاهی ایران،

از دولت هخامنشیان تا آستانه فتح ایران توسط تازیان روی هم رفته نیکو و دوستانه بود. یهودیان تازمانی که مالیات می دادند و کوششی در جهت براندازی دولت نمی کردند در امنیت و آرامش در قلمرو امپراتوری ایران زندگی می کردند. در بعضی مواقع پادشاهان ساسانی به تحریک موبدان تحت تاثیر شور و تعصب دینی قرار می گرفتند و به آزار اقلیت های دینی غیر زرتشتی می پرداختند. در اوایل دوره ی ساسانیان و اواخر سده ی پنجم میلادی و دوره ی خسرو پرویز یهودیان گرفتار رنج و زحمت گردیدند. (سامی، ۱۳۴۲: ۲۲۶) یهودیان در عصر اشکانیان و ساسانیان همواره از سپاه ایران در برابر رومیان حمایت می کردند؛ ولی در هنگام شورش بهرام چوبین بر علیه خسرو پرویز به حمایت از بهرام چوبین پرداختند، لذا بعدها مهبد، سردار خسرو پرویز به همین انگیزه شمار زیادی از یهودیان را به دم تیغ سپرد. رئیس یهودیان که راش گالوتا (راس الجالوت) می نامیدند توسط آنها انتخاب، ولی شاهنشاه ایران سمت او را تصویب می نمود. راس الجالوت مامور وصول مالیات ها و عزل و نصب قضات و همچنین قانون و اخبار قوم یهود را به آنها تعلیم و ترویج می نمود. (سامی، ۱۳۴۲: ۲۵۴)

دین مسیحیت بعد از زرتشت مهمترین دینی بود که بیشترین نفوذ و تبلیغ را در قلمرو غربی ایران داشت و کم کم به دینی رقیب برای دین زرتشت تبدیل گردید. نفوذ مسیحیت در اواخر عصر ساسانیان در قلمرو غربی ایران و میان دورود به حدی بود که اکثر مورخان بدون شک معتقدند که اگر دین اسلام بعد از انقراض ساسانیان به ایران نمی آمد، قطعاً دین مسیحیت ایران را فرا می گرفت. بعد از پناهنده شدن خسرو پرویز به امپراتور روم موریس در سال ۵۹۰ م و کمک گرفتن از وی جهت رسیدن به قدرت در ایران، خسرو پرویز با مسیحیان روابط و مناسبات مسالمت آمیزی را برقرار کرد. پادشاه نه تنها به آنها اجازه آزادی فعالیت مذهبی را در قلمروش داد، بلکه کمک مالی زیادی جهت ساخت کلیساهای متعددی هم کرده بود. طولی نکشید که مسیحیان مناصب مهمی را در دربار خسرو پرویز بدست گرفتند و حتی خسرو پرویز به آنها اجازه تعیین کشیشی به مقام جاثلیقی را هم داد. اسقفهایی مانند ایسوع یبه، سبهروشوع و گرگوار با رضایت خسرو پرویز به مقام جاثلیقی رسیدند. (سامی، ۱۳۴۲: ۲۵۴)

مسیحیان ساکن در قلمرو ساسانی وابسته به دو فرقه یعقوبیها (مونوفیزیتها) و نسطوریها بودند. شیرین همسر و محبوبه خسرو پرویز حامی اصلی یعقوبیها بود و به کمک وی بود که یعقوبیها توانستند به مناصب مهمی در دربار پادشاه دست یابند. (سامی، ۱۳۴۲: ۲۵۴) گابریل شیگازی از مسیحیان یعقوبی بود که به مقام درستبذ یا همان رئیس پزشکان در بار خسرو پرویز رسید، وی نفوذ و جایگاه فوق العاده ای نزد خسرو پرویز داشت. (تقی زاده، ۱۳۸۶، ص ۱۱) یزدین از بزرگان مسیحی نسطوری

دربار خسرو پرویز بود که دین نصاری داشت وی سریانی و و در کرخای بیت سلوخ (کرکوک فعلی) املاک پهناور داشت به مقام واستریوشان سالار که همان ریاست دیوان خراج بود رسید و کلیه درآمد ها به وی محول می شد. (کریستن سن، ۱۳۷۴: ۵۸۷) بنابراین می بینیم که مسیحیان مقامات مهمی در دربار خسرو پرویز بدست آوردند و روز به روز بر تعداد آنها افزوده می شد. خسرو پرویز در ابتدای حکومتش به خاطر ارادتی که به امپراتوری روم موریس داشت به مسیحیان توجه ویژه ای نمود و با آنها با ملاطفت برخورد می کرد. وی فرمانی درباره ی دو دین رقیب هم یعنی زرتشت که مذهب رسمی سلسله ساسانی بود و دین مسیح که مذهب رسمی امپراتوری روم بود صادر کرد. براساس این فرمان مسیحیان از زرتشتی شدن و زرتشتیان از مسیحی شدن منع شدند و نقض این قانون مجازات مرگ داشت. (سئوس، ۱۹۳۹: ۵۰) قطعه زیر از طبری در این مورد تردیدی نمی گذارد: (و یقال ان ابرویز کتب للنصاری کاب اطلق لهم فیه عماره بیعهم وان یدخل فی ملتهم من احب الدخول فیها من غیرالمجوس). (کولسنیکف، ۲۵۳۶: ۱۷۶). دولت ساسانی اقدام علیه کسانی که از دین خود برمی گشتند کار تازه ای نبود و با آنها برخورد می شد و در متون تاریخی به مواردی برمی خوریم که افراد بخاطر گرویدنشان به دیگر ادیان پس از محاکمه به مرگ محکوم می شدند. با این حال بخاطر امتیازاتی که خسرو پرویز برای مسیحیان قائل شد روز به روز تعداد آنها در قلمرو ساسانی بیشتر می شد و مهاجرین عیسوی کم کم به قلمرو ایران وارد شدند که بیشتر آن ها وابسته به دو فرقه یعقوبی و نسطوری بودند. از ابتدای به تخت نشینی خسرو پرویز یعنی سال ۵۹۰ میلادی تا سال ۶۰۲ م که سال مرگ امپراتور روم موریس و شروع جنگهای ایران و روم در عصر خسرو پرویز می باشد، مسیحیان در قلمرو ایران در امنیت و آرامش به سر می بردند و مراتب ترقی را در دربار پادشاهی طی می کردند، اما با شروع جنگهای بیست و پنج ساله خسرو پرویز با رومیان، خسرو پرویز کم کم بنای بدرفتاری را با آنها گذاشت و ضمن تصرف شهر های مسیحی نشین و تصاحب صلیب مقدس در اورشلیم و گذاشتن آن در خزانه خود، حدود هفده هزار نفر از آنها را کشته و پنج هزار نفر از آن ها را به همراه چندین کشیش اسیر نمود. (تقی زاده، ۱۳۸۶: ۲۸) از سال ۶۲۲ م که آغاز شکست خسرو پرویز از رومیان بود، بر طبق نظر مورخان در این برهه خسرو پرویز ادعا کرد که اگر از این جنگها فراغت یافت کلیه کلیساهای مسیحیان را تخریب و آنها را قتل عام می نماید. پس خسرو پرویز به دلایلی که در فصل بعد ذکر می شود در ابتدا با مسیحیان به خوبی رفتار می نماید و از هیچ کمکی به آنها دریغ نمی ورزد؛ ولی در پایان به قتل و عام آنها و تخریب دیر ها و کلیساهایشان می پردازد.

۳- علل گرایش خسرو پرویز به مسیحیت

گرچه دین زرتشت توسط اردشیر بابکان به عنوان دین رسمی امپراتور ساسانی انتخاب شد، ولی می بینیم که بعضی از پادشاهان ساسانی از سیاست تسامح و تساهل مذهبی پیروی می کردند و ضمن دادن آزادی فعالیت مذهبی به دیگر ادیان به آنها کمک مالی هم می کردند. قبل از خسرو پرویز چندین پادشاه ساسانی از چنین سیاستی پیروی کردند. گرایش خسرو پرویز به مسیحیت و حمایتها و کمک هایی که به آن ها می کرد. نسبت به دیگر پادشاهان ساسانی بیشتر و چشمگیر تر است. در باب دلایل توجه خسرو پرویز به مسیحیت چندین دلیل از متون مختلف برداشت شده که به ذکر آنها می پردازیم.

خسرو پرویز بعد از پناهنده شدن به امپراتور روم و کمک خواستن از وی جهت گرفتن تاج و تخت، امپراتور روم بعد از مشورت با بزرگان و تحمیل کردن یک قرارداد ظالمانه به خسرو پرویز به او کمک های لازم را نمود. بعد از حدود یک سالی که خسرو پرویز در شهر هیراپولیس روم منتظر کمک های امپراتوری روم بود به همراه لشکریان رومی به ایران آمد و در آذربایجان بر بهرام چوبین پیروز شد. مسعودی چگونگی کمک امپراتور روم موریس به خسرو پرویز را چنین آورده است: «موریس پادشاه روم نیز دو هزار دینار برای او فرستاد و یکصد هزار سوار با هدایای خود همراه کرد با هزار جامه ی دیبای خزینه ای که با زر سرخ و غیر سرخ بافته شده بود و یکصد و بیست دختر از دختران ملوک برجان و چلیقان و سقلاب و سکش و دیگر اقوام مجاور شاه روم که تاج های جواهر به سر داشتند و دختر خود ماریه را به زنی به او داد و او را همراه برادرش فرستاد.» (مسعودی، ۱۳۷۰: ۲۶۹)

بنابراین گرچه خسرو پرویز متقابلاً بسیاری از ولایات مابین دجله و فرات، ارمنستان و مصر و شام را به رومیان واگذار کرد، ولی تاج و تخت خود را مدیون موریس دانسته و نه تنها او را پدر خطاب می نمود، بلکه همیشه سعی می کرد که نسبت به او با ارادت و احترام برخورد کند. از سال ۵۹۰ م تا ۶۰۲ م که امپراتوری روم موریس حاکم بود، روابط مسالمت آمیزی مابین ایران و روم حاکم بود و بهترین دوران برای مسیحیان ساکن در قلمرو ساسانیان بود. بعد از فوت امپراتور روم موریس در سال ۶۰۲ م، جنگهای ایران و روم در دوره ی خسرو پرویز شروع می شود و پادشاه کم کم بنای بدرفتاری و ناسازگاری را با مسیحیان می گذارد و به فتح قلمرو مسیحیان و اسارت کشیشان و صلیب مقدس در فلسطین می پردازد. از سال ۶۲۲ میلادی که آغاز شکست های خسرو پرویز از رومیان می باشد؛ خسرو پرویز بدترین رفتارها را نسبت به مسیحیان از خود نشان می دهد و به غارت شهرهای آنها و تخریب کلیساهایشان می پردازد. در کتاب بی نام گویدی آمده که خسرو پرویز سوگند خورد که

اگر در جنگ با رومیان پیروز شود در سرتاسر شاهنشاهی خود کلیسایی را برپا نخواهد گذاشت بطوری که بعد ها عیسویان مرگ او را وسیله نجات خود دانستند. (کریستن سن، ۱۳۷۴: ۲۲۸)

یکی از دلایلی که خسرو نسبت به مسیحیان تغییر رفتار می دهد نبود امپراتور روم موریس (موریکیوس) در راس حاکمیت رومیان می باشد؛ چرا که خسرو نسبت به امپراتور فوکاس و هراکلیوس، هیچ گونه تعهد و ارادتی نداشت. خسرو پرویز بخاطر تکریم و احترامی که نسبت به امپراتور روم موریس داشت و اینکه نمی خواست باعث ناراحتی و نارضایتی او گردد از یک طرف و جلب نظر و توجه زنان محبوبه خود از جمله مریم دختر امپراتور روم و شیرین از طرف دیگر نسبت به مسیحیان با احترام برخورد می کرد و نه تنها به آنها اجازه آزادی مذهبی می داد، بلکه مناصب مهمی را در دربار به آنها واگذار کرده و کمک های مالی فراوانی جهت ساخت کلیسا های متعدد به آنها نمود. خسرو پرویز چون پادشاهی عاشق پیشه بود و به زنان و داشتن حرمسرا علاقه وافری داشته است و طبیعی است که تحت تاثیر آنها قرار دارد. به طوری که واگذاری مناصب مهم در دربار به مسیحیان و دیگر کمک ها به آنها به درخواست محبوبه وی شیرین بود خسرو پرویز دو کلیسا برای همسرش مریم و یک کلیسای بزرگ و یک دژ در شهرستان « بت شیر » برای همسر دیگرش شیرین ساخت. (کولسنیکف، ۲۵۳۷ش: ۱۷۴) مورخان آورده اند که انتخاب گریگوری به مقام جاثلیقی برای مسیحیان توسط خسرو پرویز به پیشنهاد محبوبه اش شیرین بوده است. (تقی زاده، ۱۳۸۶: ۱۳) برخی از مورخان معتقدند که تعداد زیاد مسیحیان در ولایات بین النهرین و نقش روز افزونی که عیسویان در زندگی اقتصادی و فرهنگی مردم و دولت ساسانی ایفا می کردند از دیر عوامل گرایش خسرو پرویز به مسیحیت می باشد. استفاده از نفوذ و تجارب بزرگان مسیحی در رتق وفتق مسایل دربار و دولت ساسانی و اداره ی هر چه بهتر امور مملکت از دید پادشاه غافل نمانده بود، چنانچه مناصب مهمی را در دربار به آنها واگذار کرده بود. پرداختن تعداد زیادی از مسیحیان به کارهای پیشه وری و بازرگانی و سهم و نقش بزرگ سریانی ها در علوم سده های میانه که برهمگان روشن است باعث می شد که دولت ها بیشتر به این قوم توجه کنند و از هنرهای آنها استفاده نمایند و این کار از نظر اقتصادی و فرهنگی برای آنها سود آور بود. (پیگولوسکایا، ۱۳۷۲: ۲۴۸)

یکی از مسایل مهمی که از مدتها قبل فکرو ذهن پادشاهان ساسانی را به خود مشغول می کرد، اختلاف و مناقشه زیاد مابین زرتشتیان و مسیحیان ساکن در قلمرو مرزی ایران با رومیان بود. بدرفتاری و سرکوبی مسیحیان ساکن در قلمرو ایران توسط پادشاهان ساسانی از جمله عوامل اصلی بروز جنگهای مابین امپراتوری ایران و روم بوده است. پس پادشاهان ساسانی جهت ایجاد آرامش و امنیت

در ولایات مرزی خود با رومیان و کنترل هر چه بهتر سرحدات، لازم می دیدند که به مسیحیان توجه نمایند و با کمک به آنها هم نظرشان را نسبت به خود جلب کنند و هم از حمایت آنها در برابر امپراتوری روم برخوردار شوند و به آنها به چشم طرفداران امپراتوری روم نگاه نکنند. (پیگولوسکایا، ۱۳۷۲: ۲۴۸) خسرو پرویز به دلایل سیاسی و جهت حفظ تاج و تخت و قلمرو خود و ایجاد امنیت در مرزها و همچنین حفظ روابط دوستانه ی خود با امپراتور روم موریس، لازم دید که به شکل مقطعی و در ظاهر به حمایت از مسیحیان ساکن در قلمرو خود بپردازد و بذل و بخششهایی را هم نسبت به آنها داشته باشد؛ وگرنه خسرو پرویز اعتقاد قلبی به مسیحیت نداشت و به دین مسیحیت در نیامده بود، چنانچه عملکرد و رفتار خسرو پرویز نسبت به مسیحیان بعد از مرگ پدر زنش امپراتور موریس خود مویدی بر این نظریه می باشد.

۴- تاثیرات گرایش خسرو پرویز به مسیحیت

خسرو پرویز از ابتدای حکومتش بخاطر مسایلی که ذکر گردید به مسیحیان آزادی تبلیغ در قلمرو پادشاهی ساسانی داده و آنها از حمایت پادشاه و دربار ساسانیان در امر تبلیغ دین خود و ساخت کلیسا برخوردار شدند. بنابراین روز به روز بر تعداد مسیحیان در ولایات غربی ایران و بین النهرین افزوده می شد. فرقه های مسیحی که در قلمرو ایران به فعالیت می پرداختند عبارت بودند از فرقه ملکائید یا ملکیه پیروان ملکا که در شهر رم ظهور کرد بودند، ملکائیه مذهب رسمی امپراتوری رم بود. (شهرستانی، ۱۳۵۰: ۱۷۲) فرقه دوم نسطوریه بودند که از پیروان نسطوریوس کشیش انطاکیه ساکن قسطنطنیه هستند. بیشتر ساکنان بین النهرین و شمال سوریه و ولایات ایرانی که در هر دو طرف رود دجله هستند پیروان آیین می باشند. (تقی زاده، ۱۳۸۶: ۴۴)

علت گرایش ایرانیان به آیین نسطوری این بود که تبلیغ آیین مزبور از سوی دربار ساسانی و از عهد بهرام پنجم یا بهرام گور مجاز شمرده شده بود. فرقه سوم مونوفیزیتها که بعدا یعقوبی نامیده شدند هستند که پیروان یعقوب بردعانی می باشند، وی راهبی از راهبان قسطنطنیه بود. امپراتوران روم همیشه سعی در رفع اختلاف مابین دو فرقه یعقوبی و ملکائیه و ایجاد اتحاد بین آنها بودند تا بهتر بتوانند با ادیان رقیب خود یعنی زرتشتیان و نسطوریان مبارزه کنند. مهمترین مراکز مسیحی نشین در درون قلمرو ایران که در اثر فعالیت ادیان مذکور به وجود آمدند، عبارتند از گندی شاپور، نصیبین، پرات میشان، آریل، کرخا (کرکوک) و حد سی اسقف نشین دیگر که وابسته و تحت امر پنج حوزه ی مطران نشین مذکور بودند. (سامی، ۱۳۴۲: ۳۴۲)

سالهای مابین ۵۹۰ م تا ۶۰۲ م بهترین دوران برای مسیحیان بود و آنها از آرایش و امنیت کافی و آزادی کامل در تبلیغ برخوردار بودند. در این دوره مسیحیان با توجه به کمکهای مالی که از سوی پادشاه ساسانی و زنان وی و دیگر درباریون به آنها می شد توانستند دیرها و کلیساهای متعددی در بیشتر شهرهایی که در طرفین رود دجله قرار داشتند بنا کنند. در تاریخ طبری در این مورد چنین آمده است: «گویند پرویز فرمانی برای نصاری نوشت و اجازه داد کلیساها بنیاد کنند و به جز گبران هر که بخواهد به دین آنها درآید و این حرکت به آن دلیل بود که انوشیروان با قیصر روم پیمان بسته بود که باجی را که از او می گیرد، برای پارسیانی که در قلمرو روم مقر دارند خرج کند و آتشکده ها آنجا بسازد و قیصر نیز چنین شرطی را برای نصرانیان دیار پارس کرد» (طبری، ۱۳۷۵: ۷۳۳) بنابراین با ساخت کلیساها مسیحیان از اعتبار و جایگاه بهتری در قلمرو ساسانیان برخوردار شدند و آنها با استفاده از کلیساها بهتر می توانستند به تبلیغ آیین خود بپردازند.

از دیگر تاثیرات گرایش خسرو پرویز به مسیحیت، بدست گیری مناصب مهمی در دربار خسرو پرویز توسط مسیحیان بود. حمایت پادشاه از یک طرف و پشتیبانی زنان خسرو پرویز از هم کیشان خود (مسیحیان) از طرف دیگر باعث نفوذ روز افزون مسیحیان در دربار خسرو پرویز و در اختیار گرفتن مناصب مهم گردید. بطوریکه آنها حتی توانستند افرادی از اسقفان را به مقامی جاثلیقی که بالاترین منصب نزد آنهاست انتخاب نمایند. انتخاب یزدین (مسیحی نسطوری) به مقام استریوشان سالار یا همان ریاست دیوان خراج و گا بریل شیگازی به عنوان درستیذ یا همان رئیس پزشکان دربار خسرو پرویز خود نمونه هایی از این مناصب می باشد. (کریستن سن، ۱۳۷۴: ۵۷۸) آنها مناصب مهم کوچکتی را هم در اختیار دانسته اند که ذکر همه آنها در این مقاله نمی جنگند.

تضعیف و کم رنگ شدن دین زرتشت در دربار و ولایات غربی ایران و جامعه ساسانی آن روز از دیگر اثرات گرایش خسرو پرویز به مسیحیت می باشد. گرایش پادشاهان ساسانی به دیگر ادیان، اگر چه مخالفت و نارضایتی موبدان زردتشتی را به همراه داشت، باعث قدرت پیدا کردن پیروان ادیان دیگر خصوصاً مسیحیان می گردید. دین زردتشت در دوره ی خسرو پرویز مورد بی مهری و ضعف قرار گرفت و موبدان هم بسیار فاسد و دنیا پرست شده بودند و چنان اقتدارشان ضعیف شد که در پیش چشم آنها خانواده های یزدین نصرانی و دیگر بزرگان مسیحی به بلندترین مقامات عالیه در دربار رسیدند. در منابع آمده است که پیروان دیگر ادیان خصوصاً مسیحیان و یهودیان طوری قدرتمند شدند که در قلمرو ایران به تخریب آتشکده ها پرداختند بودند. البته خانم مری بویس در اثر معروف خود (تاریخ کیش زردتشت) می گوید، شواهد بسیاری نشان از آن دارد که کیش زردتشتی

ناپایان شهریارِ ساسانیان دینی سرزنده و اثربخش بود، ولی دلایلی را ارائه نمی دهد و روند حوادث عکس این را نشان می دهد. (بویس، ۱۳۸۶: ۲۵۳) پس بهتر است که بگوییم در اواخر عصر ساسانیان به دلایلی که ذکر شد ما اول دچار شکست مذهبی شدیم تا نظامی.

قدرت پیدا کردن مسیحیان در دربار خسرو پرویز و ولایات غربی ایران نتیجه حمایت خسرو پرویز و پشتیبانی زنان وی از آنها بود. بعد از تغییر سیاست خسرو پرویز در اواخر حکومتش و سرکوبی مسیحیان و تصرف قلمرو آنها، بعدها همین مسیحیان در انقراض حکومت خسرو پرویز و سلسله ساسانیان تاثیر گذار بود؛ چرا که در سال ۶۲۸ م همین بزرگان مسیحی دربار نقش اصلی را در تحریک درباریون و دیگر بزرگان و ایجاد شورش بر علیه خسرو پرویز بر عهده داشتند. بزرگان طی شورش در دربار شیرویه فرزند خسرو پرویز که از همسر مسیحی وی و دختر امپراتور روم موریس بود را از زندان آزاد و بر تخت نشاندند و سپس با تحریک وی ابتدا خسرو پرویز را محاکمه و بعد اعدام نمودند و سپس ۱۷ نفر از فرزندان وی را قتل عام کردند و دربار را از وجود شاهزاده گان لایق خالی نمودند. بعد از قتل خسرو پرویز دربار ساسانیان عرصه منازعات مابین بزرگان شده بود، بطوریکه در عرض ۴ سال ۱۱ نفر بر تخت شاهی تکیه زدند و سرعت سقوط این سلسله دو چندان شد و جالب اینجاست که هیچ کدام از این بزرگان که خود در تشویش اوضاع نقش موثری داشتند به فکر نجات مملکت و سلطنت از گرداب حوادث نبودند.

نتیجه گیری:

دین زردتشت توسط اردشیر اول به عنوان دین رسمی امپراتور ساسانی انتخاب شد و پادشاهان ساسانی به این دین اعتقاد داشته و طبق رسومات این آیین وطنی مراسمی که توسط موبدان زردشتی در معبد اصطخر و دیگر معابد تربیت داده بود به سلطنت می رسیدند. خسرو پرویز هم به دین آباء و اجدادی خود یعنی زردتشت معتقد بود و همواره بذل و بخششهایی به موبدان و آتشکده ها می کرد. انجام دادن غسل و پوشیدن لباس سفید در آخرین لحظات زندگی خود بیانگر اعتقاد خسرو پرویز به دین آباء و اجدایش زرتشت می باشد.

خسرو پرویز ذاتاً چندان به معتقدات خود پایبند و استوار نبود و با توجه به شرایط سیاسی و اقتصادی که پیش می آمد یا به اعتقادات خود پشت و پا می زد و یا به دیگر آیین ها توجه خاص می نمود. چنانچه بعد از کمکی که امپراتور روم موریس به وی نمود تا به تاج و تخت رسید وی نهایت ملاحظت و کمکها را به مسیحیان ساکن در قلمروش نمود و ضمن دادن کمکهای مالی به آنها و ساخت و تعمیر کلیساهایشان، بسیاری از مناصب دربار خود را به آنها سپرد. خسرو پرویز به پاس خدمات امپراتور موریس و جلب توجه وی و دیگر دلایلی که قبلاً ذکر کردیم به مسیحیان کمک می کرد و گرنه نه به دین مسیحیت در آمده بود و نه آنها را قبول داشت و فقط بخاطر منافع سیاسی و اقتصادی خود آنها هم به صورت مقطعی به مسیحیت توجه کرد، چنانچه بعد از فوت امپراتور موریس وی بی درنگ به قلمرو رومیان حمله ور شده و ضمن قتل عام مسیحیان و تخریب کلیساهای آنها، صلیب مقدس با چندتن از کشیشان عالی رتبه مسیحیان به گروگان گرفت و حتی قسم یاد کرد که اگر از نبردها با هراکلیوس پیروز بیرون آمد دیر یا کسبایی برای مسیحیان سالم نگذاشته و همه آنها را قتل عام خواهد کرد.

بزرگان مسیحیت هم با تحریک و همکاری با دیگر بزرگان ناراضی دربار، آنها را با خود همراه ساخته و ضمن آزادی شیرویه از زندان انتقام سختی از خسرو پرویز و فرزندانش گرفتند و با این کار خود را از سیاست و تهدید خسرو پرویز نجات دادند. پس گرایش مقطعی خسرو پرویز به مسیحیت گرچه حکومت و مملکت وی را برای مدتی حفظ و تضمین می کرد؛ اما از سوی دیگر باعث قدرت گرفتن بیش از حد مسیحیان در دربارش و تضعیف هر چه بیشتر دین زردتشت و موبدان می شد به طوری که مسیحیان با همین قدرت و نفوذی که بدست آوردند توانستند با همکاری در ایجاد شورش، خسرو پرویز را از حکومت ساقط نمایند.

کتابنامه :

- بویس، مری (۱۳۸۶)، **آیین زرتشت**، تهران، انتشارات نگاه.
- پیگولوسکایان. و (۱۳۷۲)، **بیزانس و ایران در پایان سده نهم تا هفتم میلادی**، تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- تقی زاده، حسن (۱۳۸۶)، **از پرویز تا چنگیز**، تهران، انتشارات دنیای کتاب .
- دولت آبادی، هوشنگ (۱۳۷۹)، **جای پای زروان**، تهران، انتشارات نی .
- رجبی، پرویز (۱۳۸۰)، **هزاره های گمشده (ساسانیان)**، تهران، انتشارات طوس .
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۸۵)، **جستجو در تصوف ایران**، تهران، انتشارات امیر کبیر .
- سامی، علی (۱۳۴۲)، **تمدن ساسانی**، شیراز، نشر چاپخانه موسوی .
- سبئوس (۱۹۳۹)، **تاریخ هراکلی (هراکلیوس)**، تصحیح استپان مالخاسیان، ایروان.
- شهرستانی، ابوالفتح محمدبن عبدالکریم (۱۳۵۰)، **الملل و نحل**، تهران، انتشارات اقبال .
- طبری، محمدبن جریر (۱۳۷۵)، **تاریخ طبری (تاریخ الرسل و الملوک)**، تهران، انتشارات اساطیر .
- فردوسی، ابولقاسم (۱۳۸۶)، **شاهنامه**، تهران، انتشارات کتاب آبان .
- کریستن سن، آرتورامانوئل (۱۳۷۴)، **وضع ملت و دولت و دربار در دوره ی شاهنشاهی ساسانیان**، تهران، انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی .
- (۱۳۷۴)، **ایران در زمان ساسانیان**، تهران، نشر دنیای کتاب .
- کولسنیکف. آ.ای (۲۵۳۷ش)، **تاریخ ایران در آستانه یورش تازیان**، تهران، انتشارات آگاه .
- نظامی، گنجوی جمال الدین ابو محمد الیاس بن یوسف (۱۳۶۶)، **خسروشیرین**، تهران، انتشارات طوس.
- مسکویه رازی، ابوعلی (۱۳۶۹)، **تجارب الامم**، تهران، انتشارات سروش، تهران .
- مشکور، محمد جواد (۱۳۲۵)، **گفتاری درباره دینکرد**، تهران .
- مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین (۱۳۷۰)، **مروج الذهب**، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی .

یارشاطر، احسان (۱۳۷۳)، تاریخ ایران (از سلوکیان تا فروپاشی ساسانیان) ، تهران ، انتشارات امیر کبیر .



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

An Investigation into Khosrow Aparvez Religion and his Inclination toward Christianity.

Ali Mokhtari

Abstract

Since Zoroastrianism was chosen by Ardashir I as the official religion of the Sassanid Empire, the *Mobedes* (Zoroastrian priests) were highly respected during the rule of this dynasty and the Mobedan Mobed (chief priest) became one of the most powerful figures in the Sassanid court. Nevertheless, some Sassanid kings including Khosrow Aparvez showed inclination towards other religions for political and economic reasons. Khosrow Aparvez converted to Christianity at the beginning of his rule and offered Christians key positions in his court. Christians built numerous churches in the western Sassanid provinces and enjoyed considerable influence in his government. However, this policy changed completely in the last years of his rule. This study has been conducted by collecting data through *library research* and using primary and secondary sources, contemporary studies, description and analysis of events, and their inter-relationship. Drawing upon these sources and methods, the researcher tried to clarify all aspects of the topic. Findings showed despite the fact that Zoroastrianism was the official religion of the Sassanids and Khosrow Aparvez also believed in it, in order to get political and military advantages and to please Maurice, the Roman emperor, who had helped him to ascend throne, he pretended to be interested in Christianity at the beginning of his rule. That is why after Maurice's decease, he changed his policy, suppressed Christians, seized their territory, and took several priests as well as the Holy Cross hostage. This paper aims at investigating Khosrow Aparvez religion and the reasons why he converted to Christianity.

Keywords: Khosrow Aparvez, religion, Zoroastrianism, Christianity, Rome



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی